

آب به عنوان سلاح: از ممنوعیت تاریخی تا عمل صهیونیستی

آب، اساسی‌ترین نیاز برای زندگی، در طول تاریخ به عنوان سلاحی برای گرسنگی دادن، بیمار کردن، آواره کردن و نابود کردن جمعیت‌های غیرنظامی به کار گرفته شده است. حقوق بین‌الملل، که طی قرن‌ها جنگ و تأمل توسعه یافته، به صراحت مسموم کردن، تخریب یا ممانعت از دسترسی به منابع آب را ممنوع کرده است. با این حال، در عصر مدرن، ما شاهد یک دولت هستیم - اسرائیل - که به طور مکرر این هنجارها را، هم به صورت تاریخی و هم به صورت سیستماتیک، در جریان استعمار و اشغال سرزمین‌های فلسطینی نقض کرده است. از جنگ بیولوژیکی در سال ۱۹۴۸ تا خرابکاری زیرساختی در کرانه باختری و تاکتیک‌های محاصره در غزه، استفاده از آب به عنوان سلاح همچنان ویژگی ثابت سیاست صهیونیستی باقی مانده است.

این مقاله تاریخچه استفاده از آب به عنوان سلاح، ممنوعیت آن تحت قوانین بین‌المللی، و تکامل تاکتیک‌های اسرائیلی از مسمومیت آشکار به سلطه ساختاری را بررسی می‌کند. همچنین کاوش می‌کند که چگونه شکست طرح‌های انتقام‌جویانه اولیه یهودیان در اروپا پس از جنگ جهانی دوم به هدایت مجدد خشونت کمک کرد - که در نهایت به حمله طولانی و مداوم به زندگی فلسطینیان از طریق کنترل و تخریب آب منجر شد.

استفاده از آب به عنوان سلاح: مروری تاریخی

مسموم کردن عمدی منابع آب از مدت‌ها پیش به عنوان عملی شنیع در جنگ محکوم شده است. نمونه‌های باستانی و قرون وسطایی فراوانند، از ارتش‌هایی که در محاصره چاه‌ها را با اجساد آلوده می‌کردند تا استفاده از سموم طبیعی. با تکامل قوانین جنگ، چنین اعمالی از نظر قانونی و اخلاقی غیرقابل تحمل شدند.

- کنوانسیون لاهه چهارم (۱۹۰۷) استفاده از سم یا سلاح‌های مسموم را ممنوع می‌کند (ماده ۲۳(الف)).
- پروتکل ژنو (۱۹۲۵) سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی، از جمله در آب، را ممنوع می‌کند.
- کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی (۱۹۷۲) و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۳) این ممنوعیت‌ها را تأیید می‌کنند.
- اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) استفاده از آب مسموم را به عنوان جنایت جنگی تحت ماده ۸(۲)(ب) (۱۷) تعریف می‌کند.

تا قرن بیستم، چنین اعمالی به حقوق بین‌المللی عرفی تبدیل شده بودند که برای همه دولت‌ها و بازیگران الزام‌آور بود. با این حال، این هنجارها به سرعت در جریان تأسیس دولت صهیونیستی در فلسطین نقض شدند.

عملیات “نان خود را بیفکن” و مسمومیت آب صهیونیستی (۱۹۴۸)

در سال ۱۹۴۸، در جریان ناکبا (آوارگی اجباری بیش از ۷۵۰,۰۰۰ فلسطینی)، شبه‌نظامیان اسرائیلی و واحدهای علمی عملیات جنگ بیولوژیکی عمدی علیه غیرنظامیان فلسطینی انجام دادند. یکی از واضح‌ترین نمونه‌های این موضوع مسموم کردن منابع آب با باکتری تیفوئید بود:

- **عکا (مه ۱۹۴۸):** نیروهای صهیونیستی منبع آب شهری را با تیفوئید آلوده کردند و باعث بیماری گسترده شدند. صلیب سرخ مداخله کرد. این اولین استفاده شناخته‌شده از سلاح‌های باکتریولوژیکی توسط نیروهای صهیونیستی بود که توسط واحد ۱۳۱ هاگانا هماهنگ شده بود.
- **غزه (ژوئن ۱۹۴۸):** طرح مشابهی توسط مقامات مصری خنثی شد. عوامل صهیونیستی که عوامل بیولوژیکی حمل می‌کردند، پیش از استقرار دستگیر شدند.
- **روستاهایی مانند بدو، بیت سوریک و عین کریم** شاهد آلودگی یا تخریب چاه‌ها یا مخازن خود بودند که باعث بیماری و آوارگی شد.
- **عین الزیتون و چندین روستا در جلیل** چاه‌هایشان به طور دائم تخریب شد، اغلب همراه با قتل‌عام‌ها یا اخراج‌های جمعی.

این عملیات چندین ماده از **مقررات لاهه** را که در آن زمان اجرا می‌شد، نقض کرد و در چارچوب **دکترین طرح دالت** – استراتژی گسترده‌تر برای کاهش جمعیت و بازدارندگی – قرار گرفت.

از مسموم کردن آلمان به مسموم کردن فلسطین: تغییر هدف، تولد مصونیت

در سال ۱۹۴۵، **گروه ناکام** – شبکه‌ای از بازماندگان هولوکاست متعهد به انتقام – طرحی برای مسموم کردن منبع آب در شهرهای آلمانی مانند نورنبرگ و مونیخ ریختند. آنها به سیستم‌های آب شهری نفوذ کردند و نقشه‌های دسترسی را به دست آوردند، با قصد کشتن میلیون‌ها نفر با استفاده از آرسنیک. اما این طرح زمانی شکست خورد که مقامات بریتانیایی رهبر آنها را دستگیر کردند و سم به دریا ریخته شد.

ناتوان از دسترسی یا مجازات آلمانی‌ها – که از نظر جغرافیایی دور و از نظر سیاسی محافظت‌شده بودند – خشم گروه فروکش نکرد. این **خشم هدایت مجدد** شد. هدفی بسیار در دسترس‌تر و بدون محافظ در نزدیکی بود: **مردم فلسطین**. همین مردمی بودند که در بسیاری از موارد، در طول هولوکاست و سال‌های پیش از آن، به **یهودیان پناه داده بودند** زمانی که هیچ دولت غربی – از جمله ایالات متحده و بریتانیا – آنها را نپذیرفت، همان‌طور که در **کنفرانس اوپان** در سال ۱۹۳۸ نشان داده شده است.

تنها سه سال بعد، نیروهای صهیونیستی چاه‌های فلسطینی را مسموم کردند – نه به عنوان انتقام از هولوکاست، بلکه به عنوان ابزاری برای استعمار و آوارگی. برای توجیه این کار، آنها دروغی ساختند: **اینکه فلسطینی‌ها، نه آلمانی‌ها، مسئول هولوکاست بودند**.

متداول‌ترین نسخه این دروغ ادعا می‌کند که **مفتی اعظم اورشلیم، حاج امین الحسینی**، هولوکاست را “تحریک” کرده یا با هیتلر برنامه‌ریزی کرده است. این ادعا تحت بررسی جدول زمانی تاریخی فرو می‌ریزد، اما همچنان یکی از **ارکان اصلی پروپاگاندا اسرائیلی** است. حتی امروز، حساب‌های هسباره و سیاستمداران اسرائیلی این تحریف را تکرار می‌کنند و حامیان فلسطین را “اسلامو-نازی‌ها” یا “فلس‌نازی‌ها” می‌نامند – وارونگی روایی که برای پاک کردن گناه آلمانی‌ها و توجیه خشونت صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها طراحی شده است.

تاکتیک‌های مدرن: خشونت شهرک‌نشینان و کنترل ساختاری

در حالی که حملات بیولوژیکی متوقف شده‌اند، استفاده از آب به عنوان سلاح در اشکال موزنی‌تری ادامه یافته است – به ویژه در کرانه باختری، جایی که رژیم اشغال اسرائیل یک سیستم پیچیده از محرومیت ساختاری طراحی کرده است:

- **تخریب توسط شهرک‌نشینان:** شهرک‌نشینان به طور معمول در مخازن عمومی شنا می‌کنند، لوله‌های آبیاری را می‌شکنند، به مخازن آب روی پشت‌بام‌ها شلیک می‌کنند و دسترسی به چشمه‌ها را مسدود می‌کنند.
- در ژوئیه ۲۰۲۵، شهرک‌نشینان آبی که برای بیش از ۳۰ روستای فلسطینی در نظر گرفته شده بود را برای پر کردن یک استخر خصوصی در یک شهرک نزدیک هدایت کردند.
- **تخریب مخازن** شامل پر کردن چاه‌ها با سنگ، بتن یا زباله است که آنها را غیرقابل استفاده می‌کند.

این خشونت شهرک‌نشینان توسط سیاست‌های دولتی، به ویژه آنهایی که ریشه در فرمان نظامی ۱۵۸ (۱۹۶۷) دارند، امکان‌پذیر شده است، که فلسطینی‌ها را ملزم به دریافت مجوز برای هرگونه نصب جدید آب، از جمله جمع‌آوری آب باران، می‌کند. مجوزها تقریباً هرگز صادر نمی‌شوند.

رژیم مکوروت: آپارتاید نهادی

شرکت ملی آب اسرائیل، مکوروت، بر سیستمی نظارت دارد که در آن:

- ۵۲٪ از آب استخراج‌شده به اسرائیل می‌رود.
- ۳۲٪ به شهرک‌های غیرقانونی.
- تنها ۱۶٪ برای فلسطینی‌ها، که میلیون‌ها نفر هستند، باقی می‌ماند.

در همین حال، فلسطینی‌ها در کرانه باختری به طور متوسط ۲۰ تا ۵۰ لیتر در روز دریافت می‌کنند، که بسیار کمتر از حداقل سازمان بهداشت جهانی یعنی ۱۰۰ لیتر است. شهرک‌ها از مزارع آبیاری شده و استخرها لذت می‌برند. این کمبود نیست – این برتری است.

در منطقه سی، استخراج بیش از حد توسط اسرائیل از آبخوان کوهستانی باعث خشک شدن یا شور شدن چاه‌های فلسطینی شده است. در مکان‌هایی مانند برداله و الاوجا، کشاورزی در حال فروپاشی است. خود زمین در حال مرگ است. این اکوسید است.

جرم‌انگاری آسمان: آب باران به عنوان کالای قاچاق

حتی آسمان آزاد نیست. بر اساس فرمان نظامی ۱۵۸، جمع‌آوری آب باران جرم‌انگاری شده است. مخازنی که بدون مجوز ساخته شده‌اند:

- توسط نیروهای اسرائیلی تخریب می‌شوند.
- به عنوان “زیرساخت غیرقانونی” مصادره می‌شوند.
- با قطع آب مجازات می‌شوند (به عنوان مثال، یک روستا در سال ۲۰۱۷ به مدت پنج روز کل تأمین آب خود را از دست داد).

این اقدامات کنوانسیون چهارم ژنو، مقررات لاهه (۱۹۰۷) و حق انسانی به آب تحت پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نقض می‌کنند. اسرائیلی‌ها حداقل چهار برابر بیشتر از فلسطینی‌ها آب مصرف می‌کنند.

غزه: محاصره به عنوان جنگ زیست‌محیطی و بیولوژیکی

در غزه، آب نه تنها یک کالا شده است – بلکه سلاحی برای محاصره. از سال ۲۰۰۷، اسرائیل زیرساخت‌های حیاتی را مسدود کرده یا بمباران کرده است:

- کارخانه‌های نم‌زدایی تخریب شده‌اند.
- تأسیسات تصفیه فاضلاب هدف قرار گرفته‌اند.
- سوخت برای پمپ‌های آب ممنوع شده است.

تا سال ۲۰۲۵:

- بیش از ۹۷٪ آب غزه غیرقابل شرب است.
- کودکان از بیماری‌های مزمن منتقله از طریق آب رنج می‌برند.
- از ۲ مارس ۲۰۲۵، غزه وارد فاز ۵ قحطی IPC شده است، با سیستم‌های ایمنی ضعیف که حتی موارد خفیف انتریت را به طور بالقوه کشنده می‌کنند.

وقتی تصاویر کودکان فلسطینی لاغر در اینترنت منتشر می‌شود، حساب‌های هسباره اسرائیلی آنها را به عنوان قربانیان “بیماری‌های ژنتیکی” رد می‌کنند. همان ادعا زمانی توسط نازی‌ها درباره قربانیانی مانند آن فرانک مطرح شد، که نه در اتاق گاز، بلکه از تیفوس، یک بیماری منتقله از طریق آب در برگن-بلزن درگذشت. پژوهاها وحشتناک است.

نتیجه‌گیری: مسموم کردن آب، مسموم کردن حافظه

آب همیشه یک سلاح بوده است. اما در پروژه صهیونیستی، به یک دکتترین تبدیل شده است – ابزاری برای حذف، مجازات و سلطه. از سال ۱۹۴۸ تا کنون، چاه‌ها مسموم شده‌اند، آبخوان‌ها غارت شده‌اند و تشنگی جرم‌انگاری شده است. در غزه، کودکان به دلیل کمبود آب تمیز می‌میرند. در کرانه باختری، جوامع کامل مجبور به ترک زمین‌های خود می‌شوند.

و با این حال، حتی زمانی که آبشان دزدیده یا تخریب می‌شود، فلسطینی‌ها مقصر شناخته می‌شوند – نه تنها برای مقاومتشان، بلکه برای جنایات دیگران. مردمی که به نجات پناهندگان یهودی از هولوکاست کمک کردند، به بز قربانی آن تبدیل شده‌اند – نه به خاطر آنچه کردند، بلکه به این دلیل که در نزدیکی بودند.

استفاده از آب به عنوان سلاح یعنی جنگ علیه خود زندگی. و انتقال تقصیر برای نسل‌کشی به قربانیان بازماندگان آن، یعنی مسموم کردن حقیقت. اگر قرار است صلح برقرار شود، ابتدا باید عدالت برقرار شود. و عدالت با افشای سلاح، نام‌گذاری جنایت، و بازگرداندن آب – چه فیزیکی و چه اخلاقی – به کسانی که از آنها دزدیده شده، آغاز می‌شود.